

بررسی عوامل خشونت علیه زنان در مراجعه کنندگان به پزشکی قانونی

تهران سال ۱۳۸۰

رؤیا عزیزیان*^۱، دکتر باقر ساروخانی^۲ و دکتر محمود محمودی^۳

چکیده:

پدیده دردناک خشونت علیه زنان که در ابعاد گوناگون جسمانی و روانی در سراسر جهان سلامت جسم و جان و روان زنان را به خطر می اندازد و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می دهد، در گسترده ترین نوع خود در بروز می کند. براساس آمارهای جهانی، وسعت مرگ و میر و ناتوانی بر Family Violence قالب خشونت خانگی اثر خشونت در میان زنانی که در سنین باروری هستند، با مرگ و میر و ناتوانی سرطانیها برابر، و از تلفات ناشی از سوانح رانندگی و بیماریهای عفونی بیشتر است.

این مطالعه به صورت مقطعی، توصیفی و تحلیلی است و برخی از اطلاعات آن به صورت گذشته نگر جمع آوری شده است. هدف از بررسی شناسایی علل و عوامل ایجاد کننده خشونت در خانواده، بویژه خشونت اعمال شده نسبت به زنان است. بدین منظور این پژوهش در بخش زنان سازمان پزشکی قانونی تهران انجام گرفته است. زنان مورد مطالعه افرادی بودند که به دلیل صدمات و جراحات ناشی از ضرب و شتم به دست همسر خود، اقدام به شکایت نموده و از طریق دادگاه خانواده برای تشخیص میزان جراحات و دریافت گواهی طول درمان به این سازمان معرفی شده بودند.

در این مطالعه تعداد ۱۲۰ زن خشونت دیده فیزیکی به صورت تصادفی انتخاب شدند و طی دو هفته از طریق مصاحبه با آنان و تکمیل پرسشنامه اقدام به گردآوری اطلاعات گردید. عوامل زمینه ساز اصلی در نزاع خانوادگی از پنج جنبه مختلف مورد بررسی قرار گرفت: مشکلات اخلاقی و تربیتی (ویژگیهای تربیتی خانوادگی فرد)، مشکلات اقتصادی، دخالت خانواده شوهر، مشکلات جنسی و اختلاف فرهنگی و طبقاتی (سطح تحصیلات و امکانات رفاهی). مصاحبه شوندگان در هریک از حیطه های مورد بررسی به ترتیب ۷۹/۲٪، ۵۴/۲٪، ۳۹/۲٪، ۱۳/۳٪ و ۱۰٪ را به عنوان مهمترین عامل خشونت ذکر کردند. برخی از زنان چندین عامل را مشترکاً زمینه ساز خشونت در خانه دانستند. عوامل فردی و خانوادگی که در این مطالعه به عنوان عوامل تشدید کننده و یا مداخله مورد توجه قرار گرفتند عبارتند از سن زن، تحصیلات زن و تحصیلات مرد.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، زنان، پزشکی قانونی

مقدمه:

* (عهده دار مکاتبات).

۱. معاونت پژوهشی دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.

۲. گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

۳. گروه اپیدمیولوژی و آمار، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.

خانواده یکی از نخستین و پایدارترین نهاد‌های اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و موجب پذیرش ارزشها و هنجارهای اجتماعی و همچنین انتقال الگوهای روابط و تعامل از خانواده به سایر نهاد‌های اجتماعی است. بدون شک هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده باشد (ساروخانی ۱۳۷۹). بنابراین وجود خشونت در الگوهای خانوادگی موجب تسری آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی است. بچه‌هایی که مادران آنها مورد آزارهای فیزیکی پدرشان قرار می‌گیرند در معرض ریسک فاکتورهای بالاتری برای انتقال رفتارهای (American Psychological Association 1996) خشونت آمیز به نسل بعدی قرار دارند. اغلب (American Psychological Association 1996) شوهرانی که اقدام به کتک زدن زنان خود می‌کنند در خانواده پدری شاهد کتک خوردن مادرانشان از پدرانشان بوده‌اند (روی ۱۳۷۷). زن آزاری در طول نسل منتقل می‌شود و نه فقط نسل حاضر بلکه نسل بعدی را هم تهدید می‌کند (نازپرور ۱۳۷۶). سابقه کتک کاری در والدین بیشتر از مسائل محیطی در مسئله زن آزاری موثر است (کلاهی ۱۳۷۸). در آلمان سالانه بیش از هزار کودک به دست والدین خود مضروب و مجروح می‌شوند که شمار قابل توجهی از آنان در حین نزاع بین پدر و مادر خود آسیب می‌بینند (کردوانی ۱۳۷۹).

رفتار خشن با زنان در تمام جوامع و کشورها و در همه سطوح اجتماعی و اقتصادی دیده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که از نظر اقتصادی اجتماعی در سطوح پایین تری هستند در معرض ریسک

فاکتورهای بالاتری از خشونت قرار دارند. مشکلات اقتصادی (Saroukhani B. 1999). مهمترین عامل خشونت خانگی است. براساس (American Psychological Association 1996) آمارهای جهانی وسعت مرگ و میر و ناتوانی ناشی از خشونت در میان زنانی که در سنین باروری هستند، با مرگ و میر و ناتوانی در نتیجه سرطانها برابر، و از تلفات ناشی از سوانح رانندگی و بیماریهای عفونی بیشتر است. در (Heise L.L. et al. 1994) ایالات متحده آمریکا هر سال بین یک تا چهار میلیون زن از سوی شریک زندگی خود مورد حمله و ضرب و شتم قرار می‌گیرند. ۶۰ - ۴۰٪ مردانی که زنان را مورد آزار قرار می‌دهند بچه‌ها را نیز مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند (American Psychological Association, 1996). اغلب مردانی که تحصیلات کم و درآمد ناچیز دارند و یا فاقد مهارتهای لازم می‌است برای حفظ موقعیت برتر و مسلط باشند، ممکن است از خشونت استفاده کنند خود در خانه (Brown R.M. 2002).

زنان اغلب به دلایل متعددی چون خجالت، ترس و مقصر دانستن، خود صدمات ناشی از خشونت و کتک خوردن از شوهر را پنهان می‌سازند (Amber A. and Guth Leon P. 2000).

در یک بررسی که در بین زنان ژاپنی تبار ساکن ایالات متحده آمریکا انجام گرفت، عوامل فرهنگی و ارزشهای نهادینه شده همچون تحمل و شکیبایی در روابط خانوادگی به منظور حفظ آبرو، اجتناب از ستیز، پایداری و حراست از وفاق خانوادگی، مهمترین عوامل بازدارنده در جهت تشخیص و شناسایی

رفتارهای خشونت آمیز شوهران این زنان و خنثی سازی تلاشهای کمک رسانی به آنان بوده است

بر اساس (Micko Yoshinham M. 2002)

گزارش جهانی خشونت و بهداشت که در سال ۲۰۰۲ انتشار یافت، خشونت پدیده ای است که از عوامل متعدد زیستی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تأثیری پذیرد. با توجه به مطالعات انجام شده، هدف از این پژوهش بررسی علل و عوامل بروز خشونت در خانواده است و این که پدیده خشونت در بین زنان تهرانی از چه عواملی تأثیر می پذیرد.

روش کار:

این مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی و مقطعی. بررسی در نیمه دوم سال (Cross Sectional) است. ۱۳۸۰ و در بخش زنان سازمان پزشکی قانونی انجام گرفته است. جامعه پژوهشی تعداد ۱۲۰ زن متأهل خشونت دیده فیزیکی است که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی پواسون و در مدت دو هفته از بین زنان مراجعه کننده به بخش یادشده انتخاب گردیدند. جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه و پرسشنامه انجام شد و پرسشها به گونه ای طرح گردید که مصاحبه شونده ها بتوانند پاسخ های خود را به صورت باز ارائه دهند.

در تجزیه و تحلیل داده ها از جداول دو بعدی و چند بعدی استفاده گردید و علاوه بر آن برای و Chi-squar تحلیل بیشتر اطلاعات از آزمونهای فیشر نیز استفاده شد. در این بررسی سطح اطمینان ۹۵٪ در نظر گرفته شد.

نتایج:

در طی دو هفته از میان مراجعان به بخش زنان سازمان پزشکی قانونی تهران تعداد ۱۲۰ زن به صورت تصادفی انتخاب گردیدند و جهت بررسی علل خشونت نسبت به آنان پرسشگری به عمل آمد. جدول شماره (۱) نشان دهنده توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد بررسی بر حسب عامل درگیری و سن زنان می باشد.

از مجموع ۱۲۰ زن مورد بررسی در ۶ گروه سنی، به ترتیب از ۳۶ مورد در گروه (۲۴-۱۸) ۲۹ نفر (۸۰/۶٪)، عامل اخلاقی و تربیتی همسر، ۱۸ نفر (۵۰٪) دخالت خانواده شوهر، ۱۴ نفر (۳۸/۹٪) مشکلات اقتصادی، ۳ نفر (۸/۳٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۷ نفر (۱۹/۴٪) مشکلات جنسی زناشویی خود را از عوامل عمده درگیری و خشونت معرفی کرده اند.

در گروه سنی (۲۹-۲۵) از مجموع ۲۰ مورد، ۱۵ نفر (۷۵٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۹ نفر (۴۵٪) دخالت خانواده شوهر، ۱۰ نفر (۵۰٪) مشکلات اقتصادی، ۳ نفر (۱۵٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۴ نفر (۲۰٪) مشکلات جنسی زناشویی خود را مهمترین علل بروز خشونت دانستند.

در گروه سنی (۳۴-۳۰) از کل ۲۷ مورد، ۲۱ نفر (۷۷/۸٪) مشکل اخلاقی و تربیتی شوهر، ۷ نفر (۹/۲۵٪) دخالت خانواده شوهر، ۱۷ نفر (۶۳٪) مشکلات اقتصادی، ۳ نفر (۱۱/۱٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۲ نفر (۷/۴٪) مشکلات جنسی را نام بردند.

در گروه سنی (۳۹-۳۵) از مجموع ۲۰ مورد، ۱۶ نفر (۸۰٪) مشکلات اخلاقی و تربیتی، ۷ نفر (۲۵/۹٪) دخالت خانواده شوهر، ۱۷ نفر (۶۳٪) مشکلات اقتصادی، ۳ نفر (۱۱/۱٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۲ نفر (۷/۴٪) مشکلات جنسی را نام بردند.

در گروه سنی (۴۴-۴۰) از مجموع ۸ مورد، به ترتیب ۷ نفر (۸۷/۵٪) مشکلات اخلاقی و تربیتی، ۲ نفر (۲۵٪) دخالت خانواده شوهر، ۷ نفر (۸۷/۵٪) مشکلات اقتصادی، ۱ نفر (۱۲/۵٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و (صفر درصد) مشکلات جنسی زناشویی را در نزاع و خشونت مؤثر دانستند.

از مجموع ۹ مورد در گروه سنی (۴۵ به بالا)، ۷ نفر (۷۷/۸٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۳ نفر (۲۲/۲٪) دخالت خانواده شوهر، ۷ نفر (۷۷/۸٪) مشکلات اقتصادی (صفر درصد) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۱ نفر (۱۱/۱٪) مشکلات جنسی زناشویی را زمینه ساز بروز خشونت و درگیری در خانواده ذکر کرده اند.

بررسی نتایج نشان می دهد مشکلات اخلاقی و تربیتی در ۶ گروه سنی تقریباً به یکدیگر نزدیک می باشد یعنی با افزایش سن کاهش نمی یابد.

در مورد دخالت خانواده شوهر در سنین پایین این عامل تاثیر بیشتری دارد تا در سنین بالاچنان که ارقام (۴۰) و (جدول کاهش آن را در گروه های سنی (۴۴) ۴۵ به بالا) نشان می دهد.

در مورد مشکلات اقتصادی ارقام جدول حاکی از آن است که در میان ۶ گروه سنی مورد بررسی، این عامل با متغیر سن در ارتباط است و همبستگی معنی داری به چشم می خورد. در مورد اختلاف فرهنگی و طبقاتی و مشکلات جنسی ارتباطی بین سن زن و عوامل یاد شده دیده نشد.

متغیر دیگری که در این مطالعه با عوامل خشونت مورد بررسی قرار گرفت تحصیلات زن می باشد. در جدول شماره (۲) زنان تحت بررسی در پنج گروه بی سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان

و تحصیلات عالی قرار گرفتند. در گروه بی سواد از مجموع ۶ زن، ۴ نفر (۶۶/۷٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۲ نفر (۳۳/۳٪) عامل دخالت خانواده شوهر، ۵ نفر (۳/۸۳٪) مشکلات اقتصادی (صفر درصد)، اختلاف فرهنگی و طبقاتی و (صفر درصد) مشکلات جنسی را در بروز نزاع و خشونت مهم دانستند. در این گروه بیشترین عامل مشکلات اقتصادی (۸۳/۳٪) و عامل اخلاقی و تربیتی (۶۶/۷٪) معرفی شده است.

در گروه زنان با مدرک ابتدایی از مجموع ۱۰ نفر، ۹ نفر (۹۰٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۱ نفر (۱۰٪) دخالت خانواده شوهر، ۶ نفر (۶۰٪) مشکلات اقتصادی، (صفر درصد) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۱ نفر (۱۰٪) مشکلات جنسی را دلیل نزاع و خشونت در خانه دانستند. در این گروه نیز بیشترین عوامل به ترتیب عامل اخلاقی و تربیتی (۹۰٪) و مشکلات اقتصادی (۶۰٪) می باشد.

در گروه زنان با تحصیلات راهنمایی از مجموع ۳۶ زن، ۲۶ نفر (۷۲/۲٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۱۲ نفر (۳۳/۳٪) دخالت خانواده شوهر، ۲۲ نفر (۶۱/۱٪) مشکلات اقتصادی، ۲ نفر (۵/۶٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۴ نفر (۱۱/۱٪) مشکلات جنسی را مطرح کردند. در این گروه نیز بیشترین عوامل زمینه ساز خشونت، عامل اخلاقی و تربیتی و سپس مشکلات اقتصادی ذکر شده است.

در گروه زنان با تحصیلات دبیرستانی از مجموع ۵۰ زن در این گروه، ۴۲ نفر (۸۴٪) مشکل اخلاقی و تربیتی شوهر، ۲۳ نفر (۴۶٪) دخالت خانواده شوهر، ۲۶ نفر (۵۲٪) مشکلات اقتصادی، ۵ نفر (۱۰٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۹ نفر (۱۸٪) مشکلات

جنسی را مهم دانستند. در این گروه نیز همچون گروه پیشین مهمترین عوامل، عامل اخلاقی و تربیتی (۸۴٪) و مشکلات اقتصادی (۵۲٪) می باشد.

در گروه زنان با تحصیلات عالی از مجموع

۱۸ نفر، ۱۴ نفر (۷۷/۸٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۹ نفر (۵۰٪) دخالت خانواده شوهر، ۶ نفر (۳۳/۳٪) مشکلات اقتصادی، ۵ نفر (۲۷/۸٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۲ نفر (۱۱/۱٪) مشکلات جنسی را زمینه های بروز خشونت و درگیری بین خود و شوهرشان ذکر کرده اند. در این گروه نیز بیشترین تاکید بر عوامل اخلاقی و تربیتی (۷۷/۸٪) و دیگر عامل یعنی دخالت خانواده شوهر (۵۰٪). در این گروه مشکلات اقتصادی نقش مهمی ایفا نمی کند. نتایج جدول حاکی از آن است که در بین زنان مورد بررسی در دو گروه بی سواد و ابتدایی هیچ یک با همسر خود مشکلی از نظر فرهنگی و طبقاتی ندارند و هرچه به طرف گروه زنان تحصیل کرده پیش می رویم با افزایش اختلاف مواجه می شویم و بیشترین آن در گروه زنان با تحصیلات عالی است. از نظر آماری ارتباط معنی داری بین این دو عامل دیده شده است.

چگونگی ارتباط بین تحصیلات مرد و عوامل

خشونت در جدول شماره (۳) نشان می دهد که در گروه مردان بی سواد از مجموع ۳ مرد، ۱ نفر (۳۳/۳٪) مشکلات اخلاقی و تربیتی، ۱ نفر (۳۳/۳٪) دخالت خانواده شوهر، ۳ نفر (۱۰۰٪) مشکلات اقتصادی، (صفر درصد) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۱ نفر (۳۳/۳٪) مشکلات جنسی را نام بردند.

در گروه مردان با تحصیلات ابتدایی از

مجموع ۱۸ مرد در این گروه، ۱۴ نفر (۷۷/۸٪) برعوامل

اخلاقی و تربیتی و ۴ نفر (۲۲/۲٪) دخالت خانواده شوهر، ۱۴ نفر (۷۷/۸٪) مشکلات اقتصادی، (صفر درصد) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۱ نفر (۵/۶٪) مشکلات جنسی تاکید داشتند.

در گروه مردان با تحصیلات راهنمایی از

مجموع ۴۲ مرد، ۳۲ نفر (۷۶/۲٪) عامل اخلاقی و تربیتی، ۱۸ نفر (۴۲/۹٪) دخالت خانواده شوهر، ۲۶ نفر (۶۱/۹٪) مشکلات اقتصادی، ۴۰ نفر (۹/۵٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۵ نفر (۱۱/۹٪) مشکلات جنسی را مهم دانستند.

در گروه مردان با تحصیلات دبیرستانی از

مجموع ۳۲ مرد، ۲۷ نفر (۸۴/۴٪) برعوامل اخلاقی و تربیتی تاکید داشتند، ۱۲ نفر (۳۷/۵٪) دخالت خانواده شوهر، ۱۷ نفر (۵۳/۱٪) مشکلات اقتصادی، ۳ نفر (۹/۴٪) اختلاف فرهنگی و طبقاتی و ۴ نفر (۱۲/۵٪) مشکلات جنسی زندگی زناشویی خود را عامل مهمی برای شروع نزاع و خشونت معرفی کردند.

در گروه مردان با تحصیلات عالی از مجموع

۲۵ مرد، ۲۱ نفر (۸۴٪) مشکلات اخلاقی و تربیتی، ۱۲ نفر (۴۸٪) دخالت خانواده شوهر، ۵ نفر (۲۰٪) مشکلات اقتصادی، ۵ نفر (۲۰٪) اختلافات فرهنگی و طبقاتی و ۵ نفر (۲۰٪) مشکلات جنسی را زمینه ساز خشونت و درگیری در خانه خود دانستند.

نتایج جدول نشان می دهد مشکلات اخلاقی

و تربیتی از دیدگاه زنان در تمام گروههای تحصیلی مردان تقریباً به یک اندازه وجود دارد و با افزایش سطح تحصیلات مردان، نگرش آنها در این زمینه تغییر نمی کند.

در زمینه مشکلات اقتصادی ارتباط بین این عامل و نزاع و خشونت در خانواده معنی دار می باشد؛ یعنی با افزایش تحصیلات مشکلات اقتصادی نقش کم رنگ تری ایفا می کند.

در زمینه اختلاف فرهنگی و طبقاتی زن و مرد در گروه‌های بی سواد و ابتدایی (صفر درصد) حاکی از آن است که بین زن و مرد در این دو گروه اختلافی به چشم نمی خورد و هر دو در یک سطح فرهنگی و طبقاتی می باشند.

بحث و نتیجه گیری :

خشونت علیه زنان در خانواده پدیده ای کهن و مساله ای جهانی است. این نوع خشونت در محیط خصوصی به وقوع می پیوندد و معمولاً میان افرادی رخ می دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده اند. در ایران به ندرت آمار دقیقی از این پدیده خاص و حساسیت برانگیز وجود دارد. در این پژوهش تلاش گردید بخشی هرچند اندک از عوامل زمینه ساز خشونت در خانواده مورد بررسی قرار گیرد.

براساس یافته های این پژوهش، زنان در هر سنی ممکن است در محیط خانه مورد خشونت قرار گیرند. از دیدگاه زنان ویژگیهای اخلاقی و تربیتی مردان در جامعه ما به مرد چنین القا می کند که آنچه پایه های یک زندگی را استوار نگه می دارد قدرت مسلط و بی چون و چرای مرد در خانه است. از میان مهمترین عوامل مورد بررسی، مشکلات اخلاقی و تربیتی بیشترین زمینه را برای نزاع فراهم می سازد (۷۹/۲٪). مسائل اخلاقی و فرهنگی بیشتر از مسائل محیطی در

مساله زن آزاری موثر می باشد (کلاهی ۱۳۷۸). در این مطالعه بین سن زن و عوامل مشکلات اقتصادی ارتباط معنی داری دیده می شود. به عبارتی زنانی که در سنین بالاتر هستند نسبت به زنان کم سن و سال مشکلات اقتصادی را بیشتر در بروز خشونت و نزاع موثر می دانند. بررسیها نشان می دهد که مشکلات اشتغال و مسائل مالی به ایجاد خشونت در خانواده کمک می کند (روی ۱۳۷۷). دخالت خانواده شوهر در زندگی زناشویی با افزایش سن تقریباً روبه کاهش می گذارد، چنانکه زنانی که در سنین ۴۴-۴۰ و ۴۵ به بالا هستند این عامل را کمتر زمینه ساز خشونت ذکر می کنند تا زنان جوانتر؛ هرچند ارتباط معنی داری را نشان نمی دهد. بین سن زن و سایر عوامل تشدیدکننده خشونت از جمله مشکلات جنسی و اختلاف فرهنگی و طبقاتی ارتباط معنی داری دیده نشده است.

اغلب مردانی که از تحصیلات کم و درآمد ناچیز برخوردارند برای حفظ موقعیت مسلط خود در خانه، (Brown R.M. 2002) خشونت به کار می برند.

وضعیت تحصیلی زنان در این بررسی نشان ، سنتی منحصر به می دهد این تصور که کتک زدن خانواده هایی با سطح تحصیلات پائین و اوضاع وخیم اقتصادی است، صحیح نمی باشد. میزان تحصیلات زنان (Saroukhani B.) تأثیری در شدت خشونت ندارد ، اختلافات . با افزایش سطح تحصیلات زنان (1999) به افزایش می گذارد.. به عبارتی فرهنگی طبقاتی رو زنان بی سواد و کم سواد از این لحاظ اختلافی با همسر خود ندارند. از نظر آماری ارتباط معنی داری بین تحصیلات زن و این عامل دیده می شود. بین میزان تحصیلات زن و شوهر و رخداد خشونت

در خانه ارتباط معنی داری دیده می شود
(American Psychological Association
1996). زنان با تحصیلات عالی مشکلات اقتصادی را
کمتر عامل تشدیدکننده خشونت می دانند و دلیل آن را
می توان استقلال نسبی دانست که زنان به خاطر شاغل
بودن دارا می باشند.

دخالت خانواده شوهر در زندگی زناشویی
زنان تحصیل کرده بیشتر زمینه ساز خشونت می باشد
هرچند

ارتباط معنی داری بین این دو دیده نمی شود.

یافته های این بررسی در مورد ارتباط بین
میزان تحصیلات مرد و علل خشونت در خانه بیانگر این
مساله است که افزایش تحصیلات تغییر چندانی در
نحوه نگرش سنتی مرد به زن نمی دهد. به عبارتی
همان گونه که مردان کم سواد زن را مطیع و رام
می خواهند مردان تحصیل کرده نیز این مساله را از
اصول بدیهی و اولیه یک زندگی مشترک می دانند.

چنانکه در جدول شماره (۳) ملاحظه می شود مشکلات
اخلاقی و تربیتی در این گروه از مردان نیز مهمترین
عامل زمینه ساز خشونت و درگیری در خانه است. بین
عامل مشکلات اقتصادی و تحصیلات مرد در این
مطالعه ارتباط معنی داری هست، یعنی با افزایش میزان
تحصیلات مرد، این عامل نقش کم رنگ تری در بروز
خشونت و نزاع دارد.

تشکر و قدردانی:

از همکاریهای صمیمانه اساتید محترم جناب آقای
دکتر محمد عرب، معاون محترم مالی، اداری سازمان
پزشکی قانونی تهران، جناب آقای دکتر علیرضا کاهانی
معاون پژوهشی سازمان پزشکی قانونی تهران،
سرکارخانم دکتر جعفری، رئیس بخش زنان سازمان
پزشکی قانونی و تمامی کارکنان پرتلاش این سازمان
که در شرایط بسیار دشوار صمیمانه همراهی نموده اند،
قدردانی می شود.

جدول ۱- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد بررسی بر حسب عامل درگیری و وضعیت آن و سن

زنان مراجعه کننده به پزشکی قانونی تهران سال ۱۳۸۰

نتیجه آزمون X^2	جمع		۴۵+		۴۰-۴۴		۳۵-۳۹		۳۰-۳۴		۲۵-۲۹		۱۸-۲۴		سن	وضعیت عوامل درگیری و خشونت
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
$X^2 = 0.1223$ $Df = 2$ $P = 0.9407$	۷۹/۲	۹۵	۷۷/۸	۷	۸۷/۵	۷	۸۰/۰	۱۶	۷۷/۸	۲۱	۷۵/۰	۱۵	۸۰/۶	۲۹	بله	مشکلات اخلاقی تربیتی
	۲۰/۸	۲۵	۲۲/۲	۲	۱۲/۵	۱	۲۰/۰	۴	۲۲/۲	۶	۲۵/۰	۵	۱۹/۴	۷	خیر	
$X^2 = 3.957$ $Df = 2$ $P = 0.1383$	۳۹/۲	۴۷	۲۲/۲	۳	۲۵/۰	۲	۴۵/۰	۹	۲۵/۹	۷	۴۵/۰	۹	۵۰/۰	۱۸	بله	دخاللت خانواده شوهر
	۶۰/۸	۷۳	۷۸/۸	۶	۷۵/۰	۶	۵۵/۰	۱۳	۷۴/۱	۲۰	۵۵/۰	۱۱	۵۰/۰	۱۸	خیر	
$X^2 = 8.529^*$ $Df = 2$ $P = 0.141$	۵۴/۲	۶۵	۷۷/۸	۷	۸۷/۵	۷	۵۰/۰	۱۰	۶۳/۰	۱۷	۵۰/۰	۱۰	۳۸/۹	۱۴	بله	مشکلات اقتصادی
	۴۵/۸	۵۵	۲۲/۲	۲	۱۲/۵	۱	۵۰/۰	۱۰	۳۷/۰	۱۰	۵۰/۰	۱۰	۶۱/۱	۲۲	خیر	
$X^2 = 0.3733$ $Df = 2$ $P = 0.8297$	۱۰/۰	۱۲	۰	۰	۱۲/۵	۱	۱۰/۰	۲	۱۱/۱	۳	۱۵/۰	۳	۸/۳	۳	بله	اختلاف فرهنگی و طبقاتی
	۹۰/۰	۱۰۸	۱۰۰	۹	۸۷/۵	۷	۹۰/۰	۱۸	۸۸/۹	۲۴	۸۵/۰	۱۷	۹۱/۷	۳۳	خیر	
$X^2 = 3.692$ $Df = 2$ $P = 0.1579$	۱۳/۳	۱۶	۱۱/۱	۱	۰	۰	۱۰/۰	۲	۷/۴	۲	۲۰/۰	۴	۱۹/۴	۷	بله	مشکلات جنسی
	۸۶/۷	۱۰۴	۸۸/۹	۸	۱۰۰	۸	۹۰/۰	۱۸	۹۲/۶	۲۵	۸۰/۰	۱۶	۸۰/۶	۲۹	خیر	

معنی دار است. ($p < 0.05$) (در سطح

. نشان دهنده معنی دار بودن ارتباط دو متغیر از نظر آماری است. *

ها پس از ادغام ستونها حاصل شده است. Df : **

جدول ۲- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد بررسی بر حسب عامل درگیری و وضعیت آن و

تحصیلات زن در مراجعان به پزشکی قانونی تهران سال ۱۳۸۰

X^2 نتیجه آزمون	جمع		عالی		دبیرستان		راهتمایی		ابتدایی		بی سواد		تحصیلات زن وضعیت عوامل درگیری و خشونت
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
$X^2 = 1/824$ $Df = 3$ $P = 0/6097$	79/2	95	77/8	14	84/0	42	72/2	26	90/0	9	66/7	4	بله مشکلات اخلاقی تربیتی
	20/8	25	22/2	4	16/0	8	27/8	10	10/0	1	33/3	2	خیر
$X^2 = 5/180$ $Df = 3$ $P = 0/1591$	39/2	47	50/0	9	46/0	23	33/3	12	10/0	1	33/3	2	بله دخاللت خانواده شوهر
	60/8	73	50/0	9	54/0	27	66/7	24	90/0	9	66/7	4	خیر
$X^2 = 5/311$ $Df = 3$ $P = 0/1504$	54/2	65	33/3	6	52/0	26	61/1	22	60/0	6	83/3	5	بله مشکلات اقتصادی
	45/8	55	66/7	12	48/0	24	38/9	14	40/0	4	16/7	1	خیر
$X^2 = 8/509^*$ $Df = 2$ $P = 0/0142$	10/0	12	27/8	5	10/0	5	5/6	2	0	0	0	0	بله اختلاف فرهنگی و طبقاتی
	90/0	108	72/2	13	90/0	45	94/4	34	100	10	100	6	خیر
$X^2 = 1/641$ $Df = 2$ $P = 0/4402$	13/3	16	11/1	2	18/0	9	11/1	4	10/0	1	0	0	بله مشکلات جنسی
	86/7	104	88/9	16	82/0	41	88/9	32	90/0	9	100	6	خیر

*. نشان دهنده معنی دار بودن ارتباط دو متغیر از نظر آماری است.

** :Df: ها پس از ادغام ستونها حاصل شده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد بررسی بر حسب عامل درگیری و وضعیت آن و

تحصیلات مرد در مراجعان به پزشکی قانونی تهران سال ۱۳۸۰

X^2 نتیجه آزمون	جمع		عالی		دبیرستان		راهتمایی		ابتدایی		بی سواد		تحصیلات مرد وضعیت عوامل درگیری و خشونت	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
$X^2 = 2/886$ $Df = 3$ $P = 0/4095$	79/2	95	84/0	21	84/4	27	76/2	32	77/8	14	33/3	1	بله	مشکلات اخلاقی تربیتی
	20/8	25	16/0	4	15/6	5	23/8	10	22/2	4	66/7	2	خیر	
$X^2 = 3/175$ $Df = 3$ $P = 0/3655$	39/2	47	48/0	12	37/5	12	42/9	18	22/2	4	33/3	1	بله	دخاللت خانواده شوهر
	60/8	73	52/0	13	62/5	20	57/1	24	77/8	14	66/7	2	خیر	
$X^2 = 18/85$ $Df = 3$ $P = 0/0003$	54/2	65	20/0	5	53/1	17	61/9	26	77/8	14	100	3	بله	مشکلات اقتصادی
	45/8	55	80/0	20	46/9	15	38/1	16	22/2	4	0	0	خیر	
$X^2 = 2/162$ $Df = 2$ $P = 0/3993$	10/0	12	20/0	5	9/4	3	9/5	4	0	0	0	0	بله	اختلاف فرهنگی و طبقاتی
	90/0	108	80/0	20	90/6	29	90/5	38	100	18	100	3	خیر	
$X^2 = 0/6355$ $Df = 2$ $P = 0/7278$	13/3	16	20/0	5	12/5	4	11/9	5	5/6	1	33/3	1	بله	مشکلات جنسی
	86/7	104	80/0	20	87/5	28	88/1	37	94/4	17	66/7	2	خیر	

*. نشان دهنده معنی دار بودن ارتباط دو متغیر از نظر آماری است.

**ها پس از ادغام ستونها حاصل شده است. Df :

منابع :

- روی ، ماریا (۱۳۷۷). زنان کتک خورده ، ترجمه قراچه داغی، مهدی، انتشارات علمی ، ص ۲۱۴.
- ساروخانی ، باقر (۱۳۷۹). جامعه شناسی خانواده ، انتشارات سروش ، ص ۱۱-۱۲.
- کردوانی ، امیرحسین (۱۳۷۹). واکنش کودکان و نوجوانان در برابر خشونت خانگی و لزوم حمایت از آنان، مجله پزشکی قانونی، سال ششم، ص ۶۹-۶۸.
- کلاهی، فریناز (۱۳۷۸). بررسی عوامل موثر در زن آزاری در یکصد مورد مراجعه کننده به پزشکی قانونی تبریز.
- نازپرور ، بشیر (۱۳۷۶). بررسی موارد زن آزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی شهر تهران.
- Amber A. and Guth Leon P. (2000) Domestic Violence and trauma surgeon, *The American Journal of Surgery*. **179**: 134- 139.
- American Psychological Association; Violence and the family: Report of the American Psychological Association Presidential task force on violence and the family (1996) P. 10. *Annals of Epidemiology*, **12**(7): 525.
- Brown R.M. (2002) Elsevier. Science. *Aggression and Violent Behavior*, **7**(5): 499-511.
- Heise L.L., Pitangy J. and Germain A. (1994) Violence against women. The hidden health burden, *World Bank Discussion papers*.
- Saroukhani B. (1999) Violence in Iranian Family. International Conference Violence in Family (2000) World Health Organization 2002, *World Report On Violence and Health*.
- Yoshinham M. (2002) Battered women's coping strategies and Psychological distress : Differences by Immigration status. *American Journal of Community Psychology*, **30**: 429 – 452.

VIOLENCE AGAINST WOMEN: A STUDY OF UNDERLYING FACTORS IN TEHRAN FORENSIC CENTER 1380

Azizian R.*¹, MSc; Saroukhani B.², Ph.D; Mahmodi M.², Ph.D.

Across the world, violence against women is a major threat to their physical and mental well-being. This violation of the most fundamental human rights usually takes the form of family or domestic violence.

According to global statistics, the rates of death and disability resulting from violence to women of reproductive is comparable to those from cancers and more than those due to car accidents and infectious diseases.

Data for this cross-sectional study were collected from women referring to Tehran Forensic Center, with a view to obtaining a realistic picture of violence to women.

The women in this study had presented with wounds and injuries inflicted by their husbands. These women had been referred to the Center by family courts to complete legal formalities concerning injury diagnosis and duration of treatment.

Data were gathered on 120 subjects randomly selected women who completed questionnaires and interviews.

The main factors underlying family violence were examined from five different aspects: behavioral and educational problems (79.2%), financial strain (54.2%), interference by the husband's family (39.2%), sexual problems (13.3%), and

(* Author to whom all correspondence should be addressed.)

1. School of Public Health and Institute of Public Health Research Tehran University of Medical Sciences.
2. Department of Sociology University of Tehran.
3. Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Public Health and Institute of Public Health Research Tehran University of Medical Sciences.

differences in culture and social class (10%). However, many women declared that several factors were contributing simultaneously to the problem of violence. Factors found to have an accelerating or interfering role included the woman's age and the couple's education level.

Key words: *Family Violence, Women, Forensic Medicine.*